

178 37 1032
22 11 2

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اندلس اسلامی تا اسپانیای مسیحی

پژوهشی دربارهٔ مشهورهٔ الطوائف در تضعیف موقعیت مسلمانان
در سدهٔ پنجم هجری

مؤلف

منیرالسادات موسوی

پاکستان
انتشارات

سرشناسه

: موسوی، منیرالسادات، ۱۳۳۷ -

عنوان و نام پدیدآور

: اندلس اسلامی تا اسپانیای مسیحی

مشخصات نشر

: تهران: پارسیا، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری

: ۱۹۲ ص.

شابک

: ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۱۰-۷۰-۹

وضعیت فهرست نویسی : فیای مختصر

یادداشت

: فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است

شماره کتابشناسی ملی

: ۳۸۵۷۳۶۲

اندلس اسلامی تا اسپانیای مسیحی

منیرالسادات موسوی

مؤلف:

پارسیا

ناشر:

۱۰۰ نسخه

شمارگان:

محمدرضا نصیرنیا

مدیر فنی:

اول - ۱۳۹۴

نوبت چاپ:

۹۷۸-۶۰۰-۷۰۱۰-۷۰-۹

شابک:

پارسیا
انتشارات

قیمت: ۱۱۰۰۰ تومان

مرکز پخش:

تهران - خ انقلاب، خ فخر رازی، خ شهدای ژاندارمری نرسیده به خ دانشگاه ساختمان ایرانیان، ۵۸

طبقه دوم، واحد ۶

تلفن: ۶۶۴۸۴۱۸۹

www.noavarpub.com

کلیه حقوق چاپ و نشر این کتاب مطابق با قانون حقوق مؤلفان و مصنفان مصوب سال ۱۳۴۸ برای ناشر محفوظ و منحصرأ متعلق به نشر پارسیا می باشد. لذا هر گونه استفاده از کل یا قسمتی از این کتاب (از قبیل هر نوع چاپ، فتوکپی، اسکن، عکس برداری، نشر الکترونیکی، هر نوع انتشار به صورت اینترنتی، سی دی، دی وی دی، فیلم فایبل صوتی یا تصویری و غیره) بدون اجازه کتبی از نشر پارسیا ممنوع بوده و شرعاً حرام است و متخلفین تحت پیگرد قانونی قرار می گیرند.

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۶
مقدمه.....	۹
تاریخ و موقعیت جغرافیایی اندلس.....	۹
فصل اول.....	۱۵
قرطبه و دیگر ملوک الطوائف مسلمان در مرکز و غرب اندلس.....	۱۵
خاندان بنی حماد و بنی جهور در قرطبه.....	۱۵
سرقسطه در دست بنی تجیب و ابن هود.....	۳۰
امیران بنی عباد در اندلس.....	۴۵
بنی الافطس حاکمان سرزمین غلیوس.....	۶۵
امیران بنی الذنون در طرابلس.....	۷۲
فصل دوم.....	۸۲
دولتهای جنوب اندلس.....	۸۲
بنی مناد، ملوک بربر در غرناطه و مالقه.....	۸۲
بنی برزال امیران بربر در قرمونه.....	۹۳
رنده در امارت بنی یفرن.....	۹۷
بربرهای بنی دمر در امارت مورور (مورون).....	۹۹
ارکش در دست امیران بنی خزرون.....	۱۰۰
فصل سوم.....	۱۰۲
دولتهای شرق اندلس در امارت ملوک الطوائف و غلامان عامری.....	۱۰۲
غلامان عامری.....	۱۰۲
بنی تجیب در المریه.....	۱۱۴
المریه و مرسیه در دست بنی طاهر.....	۱۱۹
دانیه و جزایر در دست مجاهدالعامری.....	۱۲۳
بلنسیه در امارت غلامان عامری.....	۱۳۲

۱۴۲	بنی‌رزین امیران شنتمریه شرقی
۱۴۶	شنتمریه غربی و امیران بنی‌هارون
۱۴۷	امیران بنی‌مزین در باجه و شلب
۱۴۷	بنی‌البکری امیر ولبه و جزیره شلطیش
۱۴۸	البونت در امارت بنی‌القاسم
۱۵۱	فصل چهارم
۱۵۱	اندلس در فرمانروایی مرابطون
۱۵۳	نگاهی به ویژگیهای عصر ملوک الطوائف
۱۵۸	گفتار پایانی
۱۷۲	پیوست‌ها
۱۸۲	منابع
۱۸۶	نمایه

پیشگفتار

اسلام در اوج اقتدار در مغرب زمین، با مرگ حکم المستنصر بالله اموی، در سال ۳۶۶ ق. همچون خورشیدی تابناک که هاله‌هایی از ابرهای تیره نفاق و اختلاف روی آن را بیوشاند در محاق فرو می‌رفت. دولتهای کوچک که هر کدام ام‌ریشینیهایی تحت امر حکومت مرکزی بودند، فرصت ابراز وجود یافتند و مرگ حکم امیر و آخرین خلیفه مقتدر اموی در امپراطوری اندلس اغتشاش و تدهت بر سر داشت. المنصور العامری وزیر و حاجب امویان، سپس اختلاف بین بزرگان اموی و گروه صقالبه، در انتخاب جانشینی وی، در نهایت انتخاب ولیعهد خردسال هشام بن حکم ملقب به المؤید، فرزند حکم ابن عبدالرحمن، به عنوان حلیف و اوره امور به دست المنصور العامری، و مخالفت حامیان اموی در نهان آشکارا المنصور، و پس از مرگ المنصور و انتقال قدرت وزارت و حجاب به فرزندان او، جنگ قدرت آغاز شد.

نزاع صقالبه و امرای ولایات با فرزندان المنصور از یک سو و علم استقلال برگرفتن از سوی هر یک از امرای محلی، توار قدرت را از کف امپراطوری قدرتمند اسلام در غرب زدود و هر تکه از خاک آن که با جانشانی سربازان امت اسلام تسخیر و تثبیت شده بود در دست امیری قرار گرفت. پس از آن، محل کشاکش و ستیز بین امرایی شد که در تاریخ اسلام، ملوک الطوائف نامیده شدند.

هر یک از این امرا که ریشه در طایفه‌ای داشتند و به نسبی محتسب بودند با حسی از آزمندی و قدرت طلبی از نفوذ قبایلی و نسبی خود، سود بردند و با تکیه بر قدرت قبیله‌ای که خاص اعراب مهاجر و بربرهای مغرب که تا اکنون در اندلس اسلامی در کنار هم در زیر لوای یک امپراطوری می‌زیستند با آشکار شدن ضعف دولت مرکزی، دولتهایی مستقل را بنا نهادند که بنا بر گفته، فلیپ حتی، در کتاب تاریخ عرب: «دولتکهای بودند که

ملوک الطوایف، نام گرفتند.^۱

از آن زمان که امپراطوری باشکوه و قدرتمند اموی تجزیه شد؛ چنان زوالی بر آن سرزمین حاکم گردید که بنا بر گفته ابن حزم در کتاب نقط العروس: «چهار تن در مسافت سه روز راه خود را امیرالمؤمنین می گویند و به نام خود خطبه می خوانند: خلف الحصری در اشبیلیه^۲ خود را هشام المؤید می داند. محمدبن قاسم بن حمود در جزیره، محمدبن ادریس بن علی بن حمود در مالقه^۳ و ادریس بن یحیی بن حمود در بیشتر»^۴

سرزمین وسیع اسلامی اندلس پس از زوال امپراطوری اموی و چگونگی افتادن آن به دست ملوک الطوایف و سپس از دست رفتن این بخش از پیکره جامعه اسلامی، مورد توجه و بحث محققین و نویسندگان بوده است که به شکل کلی به آن نگریستند و هریک از زاویه ای به آن پرداخته اند. ضرورت بررسی این زوال و نقش هریک از امیران طوایف در آن، و علل سقوط کامل ملوک الطوایف؛ دلیل اصلی تألیف این تحریر این اثر است که امیدوارم به این هدف دست یافته باشم. در این رساله سعی شده است با رعایت اصل امانتداری در استفاده از روایات تاریخی، ادبشمندان مسلمان و شرق شناسان، از درج مطالب خرافی و زاید و همچنین اعداد و ارقام مبالغه آمیز و اغراق شده، پرهیز شود. همچنین سعی شده است رعایت و عبارات، با رعایت اصل امانتداری به شکل کامل؛ اما با نثری روان ارائه گردد.

۱. حتی، تاریخ عرب، مقدمه.

2. Sevilla (Seville)

3. Málaga

۴. عنان، ج ۲، ص ۳۴.

مقدمه

از آنجا که تاریخ اسلام یکی از مهمترین و تأثیرگذارترین مقوله در تاریخ جهان است و بخش مهمی از تاریخ تمدن بشری را در قرون وسطی تحت تأثیر فاطمات و آموزه‌های خود قرار داده است و سهم عظیمی در سرنوشت مرزهای غرب و شرق جهان داشته است. در این اثر به بخشی از مرزها و حدود تاریخی و جغرافیایی جهان اسلام در سرزمینهای غربی می‌پردازیم و به طور اخص امپراطوری عظیم اسلامی امویان اندلس در منطقه غرب و اسپانیا و علل فروپاشی آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم. از آن جهت که فروپاشی امپراطوری و خلافت امویان در اندلس علل مختلفی از جمله ضعف و ناتوانی آخرین خلیفه اموی در حفظ اتحاد و انسجام امپراطوری اسلامی در این منطقه از جهان، و از سوی دیگر اتحاد کشورهای مسیحی داشت. این فروپاشی منجر به شکل‌گیری دو تنهایی کوچک شد که بر سر خوان از هم گسسته امویان اندلس نشستند و خود را تدریجاً عاملی شدند برای زوال کامل قدرت اسلام در غرب جهان. این دولتهای کوچک که در تاریخ اسلام ملوک الطوائف نام گرفتند؛ حدود ۲۲ ملوک مؤثر در تضعیف پایه‌های اندلس اسلامی بودند و ما بحث درباره این ملوک و معرفی آنان و نقش ایشان در فروپاشی اندلس اسلامی را در قرن پنجم هجری مصادف با قرن یازدهم میلادی بررسی می‌کنیم.

پیش از آن که بحث در باب ملوک الطوائف اندلس را آغاز کنیم، مختصری از تاریخ و فتح اندلس را بررسی خواهیم کرد.

تاریخ و موقعیت جغرافیایی اندلس

قبل از حضور مسلمانان در شبه جزیره ایبری، رومیان تا قرن پنجم میلادی بر اندلس حاکم بودند؛ لکن پس از زوال قدرت روم غربی، طوائف ویزگوت و واندال به صورت مهاجمین داخل شبه جزیره ایبری شدند و رومیان را اخراج کردند؛ به این ترتیب هنگام فتوح مسلمانان ساکنان آن

گوتها، واندالها و بربرها بودند که تحت حکومت اشرافی گنتها اداره می‌شدند. زبان آنان لاتینی بود و دین مسیحی داشتند.^۱

در زمان خلافت ولید بن عبدالملک ارتش اسلام به فرماندهی طارق بن زیاد از تنگه‌ای که افریقا و اروپا را از هم جدا می‌کرد وارد سرزمین اسپانیا شدند. که پس از آن تنگه جبل الطارق نامیده شد. اولین کسی که برای جهاد به اندلس رفت طریف از موالی موسی بن نصیر بود که جزیره طریف به او منسوب است... او با صد سوار و چهارصد پیاده در ماه رمضان سال ۹۱ق. به اندلس حمله برد و با غنایم فراوان بازگشت، پس موسی بن نصیر، طارق بن زیاد را فرستاد...^۲ آپس از بازگشت طریف، موسی بن نصیر، طارق بن زیاد را برای ادامه فتوحات، به اندلس فرستاد...

هنگام ورود به جزیره ایبری، اعراب نام قلمرو خود را در این جزیره اندلس نامیدند. این کلمه تصحیف شده واندلسیا^۳ است. این نام از ساکنان قدیم آن که مهاجمان واندال به نامند گرفته شده است.^۴

ابن واضح یعقوبی در کتاب الجبلان می‌نویسد: «هرکس آهنگ جزیره اندلس کند، از قیروان به تونس رود، که به ساحل دریای شور است؛ و آنگاه به کشتی نشسته، از دریای شور رهسپار گردد. در هر روز به طرف ساحل و به وسط دریا به پیش رود، تا در محلی که به آن، تنس گفته می‌شود، و میان آن و تاهرت چهار روز راه است، محاذی جزیره اندلس گردد تا به تاهرت رود تا به جزیره (یعنی جزیره اندلس) رسد. پس ژرفنا را در روزی و شبی در نزد تاهرت ناحیه تدمیر رسد و آن ناحیه‌ای است وسیع و آباد که در آن دو شهر است، یکی از آن دو عسکر و دیگری را لورقه گویند. سپس از آنجا رهسپار سه‌روزه شود که به آن قرطبه^۵ گویند»^۶.

حسین مونس می‌نویسد: مسلمانان لفظ اندلس را هم بر شبه جزیره ایبری

۱. عنان، ج ۱، ص ۲۶-۲۷

۲. حمیری، صفة جزیره اندلس، ص ۸

3. Vandalicia

۴. وات، ص ۱۶.

5. Córdoba

۶. یعقوبی، ج ۱، ص ۱۳۲-۱۳۳.

هنگام فتح آن و هم بر بخشی از پادشاهی غرناطه اطلاق می‌کردند.^۱
اندلس بر تمام شبه جزیره ایبری یعنی اسپانیا و پرتغال فعلی اطلاق می‌شده است؛ زیرا مسلمانان در سال ۹۲ق. به سرداری طارق بن زیاد اندلس را به تصرف درآوردند و بعد بر قسمت اعظم شبه جزیره ایبری تسلط یافتند و از اینجاست که بر تمام شبه جزیره ایبریا، اندلس می‌گفتند.^۲

اندلس اسلامی با مساحتی حدود ۸۷۵۷۰ کیلومتر مربع در جنوب شبه جزیره ایبری در کنار دریای مدیترانه قرار دارد و از شمال به ایالت کاتالونیا^۴ (قطالیه قیوم) از جنوب به دریای مدیترانه و تنگه جبل الطارق، از مشرق به دریای مدیترانه و از مغرب به قشتاله (گالیسی)^۵ و پرتغال محدود است. کوه‌های سیرا نادا^۶ و سیرامورنا^۷ با جهت شرقی- غربی در این منطقه کشیده شده و رود وادی «تیر» (تراداکویر)^۸ در این منطقه جاری است. آب و هوای اندلس اسلامی گرم و قسیتی از آن حاصلخیز و محصولات غلات و میوه و زیتون است. پرورش گاو و اسب در این منطقه معمول و منابع معدنی آن مس، آهن، روی و سرب است که از قیوم مورد استفاده بوده است.^۹

جرجی زیدان درباره جغرافیای اندلس می‌نویسد: «جغرافی نویسان اسلام، اندلس را نیز جزء بلاد مغرب محسوب می‌دارند چه که در موقع فتح اندلس، آن کشور تابع دیار مغرب بوده است. به هر حال اندلس یا اسپانی کشور بزرگی است که پایتخت آن قرطبه است و حد آن نیز مشهور می‌باشد. از شهرهای مهم آن: جیان^{۱۰}، طلیطله^{۱۱}، استجه^{۱۲} و ریجا^{۱۳} است؛ از بنادر مهم

مونس، ص ۲۲۱.

2. Ibid.

۳. دهخدا، لغتنامه.

4. Catalogne (Catalonia)

5. Galicie

6. Sierra Nevada

7. Sierra Morena

8. Guadalquivir

۹. دایره المعارف اسلامی ج ۱، ص ۲۶۶.

10. Jaén

11. Toledo

12. Écija

13. Rēja

آن نیز، شنترین، مالقه و جبل الطارق می‌باشد.^۱

ساکنان اندلس پس از فتوحات اسلامی، به جز مردم بومی، عربها و بربرها بودند که از شرق و آفریقه^۲ به آنجا رفته بودند. بومیان بیشتر مسیحی بودند که دین خویش را وانمی‌گذاشتند. گروهی از ایشان را مسیحیان مستعرب می‌گفتند که به دین خویش بودند؛ اما به زبان و رسوم عرب رغبت داشتند. یهودیان نیز ساکنان این سرزمین بودند که در دربار قرطبه حضور و نفوذ داشتند. یکی از مردان با نفوذ در دربار امویان حسدای شبروط بود؛ که مهماندار سفیران بیگانه بود ... حسدای شبروط یک بار نیز به سفارت اندلس به اردشاه ناوار^۳ رفت.^۴

فتح سرزمین اندلس در زمان خلفای بنی‌امیه شام انجام شد، والیان آن را اداره می‌کردند و پس از سقوط خلافت بنی‌امیه در شام و روی کار آمدن بنی‌عباس، والیان قبلی اندلس آن را به صورت ریاست قبیله‌ای اداره می‌کردند. پس از آن که خلافت مسلمین به دست عباسیان افتاد، آنان مشغول قلع و قمع بازماندگان بنی‌امیه بودند، جوانی جسور به نام عبدالرحمن بن ابی‌بکر از نوادگان هشام بن عبدالملک دهمین خلیفه اموی از تعصب عباسیان گریخت و به اندلس رفت. به شهر منکب وارد شد. توانست با همراهی و جلب حمایت اعراب ساکن، شهر بنجره ایبری؛ همچنین گوتها و بربرها در سال ۱۳۸ق. امارت امویان اندلس را تشکیل دهد.^۵

هنوز پنج سال از بنیاد خلافت عباسی نگذشته بود که عبدالرحمان جوان، تنها بازمانده از کشتار امویان به دست عباسیان، از سرزمین بربره، در اسپانیا به قرطبه رسید و پس از یک سال (۱۳۹ق/ ۷۵۶م) دولتی مأمور بنیاد نهاد و برای نخستین بار از پیکر خلافت عباسی یکی از ولایتهای آن جدا شد. ولایتهای دیگر بزودی از او پیروی کردند.^۶

عبدالرحمن بن هشام بن عبدالملک، به عبدالرحمن الداخل لقب یافت و

۱. زیدان، ص ۲۵۰

2. Ifriqiya

3. Navarre (Nafarroa / Navarra)

۴. ابراهیم حسن، ص ۹۱۱

۵. ابن خلدون، المعبر، ج ۱، ص ۱۳۶ و ج ۳، ص ۱۴۵

۶. حتی، ص ۵۵۷

توانست امارت خود را به امپراطوری قدرتمندی تبدیل نماید. که تا سال ۴۲۲ ق. در شبه جزیره ایبری درخشید. در این امارت شانزده حاکم اموی فرمان راندند، که از مقتدرترین آنان سه عبدالرحمن را می‌توان نام برد: عبدالرحمن اول (الداخل) عبدالرحمن اوسط و عبدالرحمان الناصر. امویان اندلس توانستند حکومتی همسنگ خلافت عباسیان ایجاد کنند. و از این جهت بود که عبدالرحمن الناصر خود را خلیفه اموی اندلس خواند و خلافت غربی را ایجاد کرد.^۱

امپراتوری عظیم اموی اندلس نتوانست در دوره حاکمیت جانشینان الناصر، اقتدار اسلام در اندلس را حفظ نماید و صعود امویان متوقف شد و در زمان هشام المؤید به زوال رسید و در دوران مدعیان خلافت پس از او به طور کامل منقرض شد. حاکمان و والیان مناطق مختلف اعلام استقلال نمودند، پیکره اندلس را تکه تکه نموده و هر یک بر تکه‌ای مسلط شد، و پس از آن چشم به تکه‌های دیگر دوختند تا بخشی از پیکره امت اسلام محل نزاع بر سر قدرت حاکمانی قرار گرفت که پس از آن ملوک الطوایف خوانده شدند. این مناطق به مدت یک قرن در نزاع بین ملوک طوایف دست به دست می‌شد؛ مگر امیر شینیایی که مدتی طولانی تحت فرمانروایی حاکمی، بوده‌اند به شرح دلیل می‌باشند:

۱. در قرطبه، بنی حمود (۴۰۷-۴۹۹) بنی جهنم (۴۲۲-۴۶۳ق)
۲. در اشبیلیه، بنی عباد (۴۱۴-۴۸۴ق)
۳. در بطلیوس^۲، بنی الافطس (۴۱۳-۴۸۸ق)
۴. در طلیطله، بنی ذوالنون (۴۲۷-۴۷۸ق)
۵. در غرناطه و مالقه، بنی مناد (۴۰۳-۴۸۳ق)
۶. در قرمونه^۳، بنی برزال (۴۰۴-۴۵۹ق)
۷. در رنده، بنی یفرن (۴۰۶-۴۵۷ق)
۸. در مورو (مورون)، بنی دمر (۴۰۳-۴۵۸ق)
۹. در ارکش، بنی خزرون (۴۰۲-۴۶۱ق)
۱۰. در المریه^۱، غلامان صقلابی (۴۰۵-۴۸۴ق)

۱۱. در سرقسطه^۲ و مرسیه^۳، دانیه و جزایر، بنی تجیب (۴۰۹-۴۸۸ق)
 ۱۲. در دانیه و جزایر، غلامان عامری (۴۰۶-۴۶۹ق)
 ۱۳. در مرسیه، غلامان عامری (۴۰۳-۴۷۱ق)
 ۱۴. در بلنسیه، بنی عامر، و بنی الذنون (۳۹۹-۴۶۹ق)
 ۱۵. در شنتمریه شرقی و البونت (الینت)^۴، ابن رزین و ابن قاسم (۴۰۳-۴۹۷ق)
 ۱۶. در سرقسطه (ثغر اعلی)، بنی تجیب و بنی هود (۴۲۱-۴۷۸ق)
 ۱۷. در لبله^۵، بنی یحیی (۴۱۴-۴۴۵ق)
 ۱۸. در باجه^۶ و شلب^۷، بنی مزین (۴۴۲-۴۵۵ق)
 ۱۹. در ربه و ریره شلطیش، بنی البکری (۴۰۳-۴۴۳ق)
 ۲۰. در شنتمریه غربی، بنی هارون (۴۱۷-۴۴۳ق)
- در دوران اموی اسلامی، سرزمین اندلس به شش منطقه مهم تقسیم شده بود:

۱. قرطبه و تراجی
این منطقه، از جهت وسعت راضی و منافع اقتصادی و اهمیت نظامی و سوق الجیشی و هم از آن جهت که مرکز قدرت سیاسی و مقر خلافت اموی بود، و نیز به سبب اهمیت معنوی آن، در این مقاله قبل از دیگر مناطق بررسی خواهد شد.

۲. طلیطله یا ثغر اوسط
۳. اشبیلیه
۴. غرناطه، ریه، فرنتره
۵. بلنسیه
۶. سرقسطه یا ثغر اعلی^۸

1. Almería
2. Zaragoza
3. Murcia
4. Alpuente
5. Niebla
6. Beja (Portugal)
7. Silves (Portugal)